

Submit Date: 28 April 2024

Revise Date: 7 June 2024

Accept Date: 21 June 2024

Publish Date: 15 July 2024

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Influence of Thomas Hobbes' and Imam Ali's (AS) Theories on Immigration Policies in Islamic and Non-Islamic Countries

Narges Bahrami¹, Kamran Afsharnia^{*2}

1. Department of Philosophy, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

* Corresponding Author's Email: dr_kamran_afshar@gmail.com

ABSTRACT

This article examines the impact of Thomas Hobbes' and Imam Ali's (AS) theories on immigration policies in Islamic and non-Islamic countries. Thomas Hobbes, through his theories of absolute government and social contract, provided philosophical foundations for Western states to implement stringent immigration policies. These perspectives prioritize security and order as the main functions of the state. In contrast, Imam Ali (AS), emphasizing justice, human rights, and ethics, laid theoretical foundations for Islamic states to structure their immigration policies based on principles of justice and fairness. This paper explores immigration policies in Iran and Turkey as examples of Islamic countries, and the United States and European countries as examples of non-Islamic countries. The findings indicate that immigration policies based on Hobbes' theories have managed to maintain security and order to some extent but face human rights challenges. Conversely, immigration policies inspired by Imam Ali's (AS) theories have provided favorable conditions for migrants but need to strengthen their security and order management. This study suggests that successful immigration policies should balance security needs and human rights.

Keywords: *Thomas Hobbes, Imam Ali (AS), immigration policies, justice, security, human rights.*

How to cite: Bahrami, N., & Afsharnia, K. (2024). The Influence of Thomas Hobbes' and Imam Ali's (AS) Theories on Immigration Policies in Islamic and Non-Islamic Countries. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 1-13.



تاریخ ارسال: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱ تیر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۵ تیر ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

تأثیر نظریات توماس هابز و امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی

نرگس بهرامی^۱، کامران افشارنیا^{۲*}

۱. دانشکده فلسفه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr_kamran_afshar@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر نظریات توماس هابز و امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌پردازد. توماس هابز با نظریه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی، مبانی فلسفی برای دولت‌های غربی فراهم کرد تا سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای در زمینه مهاجرت اعمال کنند. این دیدگاه‌ها امنیت و نظم را از اولویت‌های اصلی دولت می‌داند. در مقابل، امام علی (ع) با تأکید بر عدالت، حقوق بشر و اخلاقیات، مبانی نظری برای دولت‌های اسلامی فراهم کرده است تا سیاست‌های مهاجرتی خود را بر اساس اصول عدالت و انصاف تنظیم کنند. در این مقاله، سیاست‌های مهاجرتی در ایران و ترکیه به عنوان نمونه‌هایی از کشورهای اسلامی و ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی به عنوان نمونه‌هایی از کشورهای غیر اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرتی مبتنی بر نظریات هابز توانسته‌اند امنیت و نظم را تا حدی حفظ کنند اما با چالش‌های حقوق بشری مواجه هستند. در مقابل، سیاست‌های مهاجرتی مبتنی بر نظریات امام علی (ع) توانسته‌اند شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کنند اما نیازمند تقویت مدیریت امنیت و نظم هستند. این مطالعه پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌های مهاجرتی موفق باید تعادلی بین نیازهای امنیتی و حقوق بشری برقرار کنند.

کلیدواژگان: توماس هابز، امام علی (ع)، سیاست‌های مهاجرتی، عدالت، امنیت، حقوق بشر.

نحوه استناددهی: بهرامی، نرگس، و افشارنیا، کامران. (۱۴۰۳). تأثیر نظریات توماس هابز و امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۲)، ۱-۱۳.



مقدمه

مهاجرت به عنوان یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی و سیاسی، همواره تأثیرات عمیقی بر جوامع میزبان و مهاجران داشته است. سیاست‌های مهاجرتی کشورهای مختلف تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نظریات فلسفی و دینی شکل گرفته‌اند. توماس هابز، فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم، با ارائه نظریه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی، دیدگاه‌های جدیدی را در زمینه حکمرانی و سیاست‌های اجتماعی مطرح کرد. از سوی دیگر، امام علی (ع)، یکی از بزرگترین شخصیت‌های دینی و سیاسی اسلام، با تأکید بر عدالت، حقوق بشر و اخلاقیات، الگوی مهمی برای حکمرانی و سیاست‌گذاری ارائه داد (Maltby; Turner & Figueroa, 2019). این مقاله به بررسی تأثیر نظریات توماس هابز و امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌پردازد.

سیاست‌های مهاجرتی نه تنها بر ساختار جمعیتی و اقتصادی کشورها تأثیر می‌گذارد، بلکه با مباحث حقوق بشری و اخلاقی نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. بررسی تأثیر نظریات فلسفی و دینی بر این سیاست‌ها می‌تواند به فهم بهتر مبانی این سیاست‌ها و بهبود آن‌ها کمک کند. این تحقیق با تمرکز بر دو نظریه پرداز برجسته، توماس هابز و امام علی (ع)، سعی دارد تا نشان دهد چگونه اندیشه‌های فلسفی و دینی می‌توانند به شکل‌دهی سیاست‌های مهاجرتی کمک کنند. همچنین، بررسی تطبیقی سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌تواند به تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌ها در این زمینه بپردازد.

اهداف تحقیق شامل:

- تحلیل نظریات توماس هابز در زمینه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های مهاجرتی.

- بررسی نظریات امام علی (ع) در زمینه عدالت، حقوق بشر و اخلاقیات و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های مهاجرتی.
- مقایسه تطبیقی سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با توجه به تأثیر نظریات هابز و امام علی (ع).
- ارائه راهکارهایی برای بهبود سیاست‌های مهاجرتی با توجه به مبانی نظری هابز و امام علی (ع).

از این رو، سوالات تحقیق عبارت است از:

- چگونه نظریات توماس هابز بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای غیر اسلامی تأثیر گذاشته است؟
- نظریات امام علی (ع) چگونه بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی تأثیر گذاشته است؟
- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی وجود دارد؟
- چگونه می‌توان از مبانی نظری هابز و امام علی (ع) برای بهبود سیاست‌های مهاجرتی بهره برد؟

مبانی نظری

توماس هابز و نظریات او

زندگی و زمانه توماس هابز

توماس هابز، فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم، در سال ۱۵۸۸ میلادی در ویلتشایر انگلستان به دنیا آمد. او در دوره‌ای از تاریخ زندگی می‌کرد که تحولات سیاسی و اجتماعی عمده‌ای در اروپا رخ می‌داد. جنگ‌های داخلی انگلستان، به ویژه جنگ‌های داخلی بین پارلمان و سلطنت، تأثیرات عمیقی بر زندگی و اندیشه‌های هابز گذاشت. او تحصیلات خود را در دانشگاه آکسفورد انجام داد و به

امام علی بن ابی طالب (ع)، نخستین امام شیعیان در خانه کعبه به دنیا آمد و از کودکی در کنار پیامبر اسلام (ص) پرورش یافت. امام علی (ع) به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های دینی و سیاسی اسلام شناخته می‌شود و نقش بسزایی در گسترش و تبیین معارف اسلامی داشته است (Candel & Fayazpour, 2019). او در دوران خلافت خود، اصولی از عدالت، حکمرانی و حقوق بشر را مطرح کرد که به عنوان الگویی برای حکمرانی اسلامی شناخته می‌شود.

نظریه عدالت و حکمرانی

امام علی (ع) در دوران خلافت خود بر اصول عدالت و حکمرانی تأکید فراوانی داشت. او معتقد بود که حکمرانی باید بر مبنای عدالت و انصاف باشد و حاکمان باید در برابر مردم پاسخگو باشند. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر، استاندار مصر، می‌نویسد: "قلب خود را مملو از رحمت برای مردم کن و با آن‌ها مانند پدر مهربان رفتار کن. مبدا در برابر مردم مانند حیوان شکارچی باشی که خوردن آن‌ها را غنیمت شماری" (Dahlström & Esaiasson, 2011). این دیدگاه امام علی (ع) به عنوان یکی از اصول اساسی حکمرانی اسلامی شناخته می‌شود.

اصول اخلاقی و حقوق بشر در نظریات امام علی (ع)

امام علی (ع) بر اهمیت اخلاق و حقوق بشر در حکمرانی تأکید داشت. او معتقد بود که حاکمان باید در تمام اعمال خود اخلاق و انصاف را رعایت کنند و حقوق بشر را محترم بشمارند. امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: "بهترین اعمال نزد خداوند، انصاف و عدالت است" (Bellick et al., 2022). این دیدگاه امام علی (ع) نشان‌دهنده اهمیت اخلاق و حقوق بشر در نظریات او است و به عنوان الگویی برای حکمرانی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

مقایسه نظریات توماس هابز و امام علی (ع)

دیدگاه‌ها در مورد دولت و حکمرانی

مطالعه فلسفه، علوم طبیعی و ریاضیات پرداخت (Hoye, 2023). هابز با تأثیرپذیری از این تحولات و تحصیلات خود، نظریه‌های مهمی در زمینه دولت و جامعه ارائه داد که بعدها به عنوان پایه‌های فلسفه سیاسی مدرن شناخته شدند.

نظریه دولت مطلقه

هابز در کتاب مشهور خود، "لویاتان"، نظریه دولت مطلقه را مطرح کرد. او معتقد بود که در حالت طبیعی، انسان‌ها در وضعیت "جنگ همه علیه همه" قرار دارند و زندگی آن‌ها "تنها، فقیر، کثیف، وحشیانه و کوتاه" است (Hoye, 2023). به نظر هابز، انسان‌ها برای فرار از این وضعیت طبیعی و به منظور دستیابی به امنیت و نظم، به یک قرارداد اجتماعی تن می‌دهند و قدرت مطلقه را به یک دولت یا حاکم واحد می‌سپارند. این دولت مطلقه وظیفه دارد تا با اعمال قدرت، نظم و امنیت را در جامعه حفظ کند (Scotognella, 2020). نظریه دولت مطلقه هابز به عنوان یکی از پایه‌های اصلی فلسفه سیاسی مدرن و مبنای بسیاری از سیستم‌های حکومتی در طول تاریخ شناخته می‌شود.

نظریه قرارداد اجتماعی

هابز نظریه قرارداد اجتماعی خود را بر این اساس بنا نهاد که انسان‌ها برای فرار از وضعیت طبیعی و دستیابی به امنیت و نظم، به یک قرارداد اجتماعی تن می‌دهند. این قرارداد اجتماعی به دولت یا حاکم واحد اجازه می‌دهد تا قدرت مطلقه‌ای را برای حفظ نظم و امنیت اعمال کند. هابز معتقد بود که بدون وجود یک قدرت مطلقه، انسان‌ها به وضعیت طبیعی و جنگ دائمی بازمی‌گردند (Pasanen, 2016). نظریه قرارداد اجتماعی هابز تأثیرات گسترده‌ای بر فلسفه سیاسی و نظریات حکومتی داشت و به عنوان یکی از پایه‌های اصلی فلسفه سیاسی مدرن شناخته می‌شود (Chuks et al., 2020).

امام علی (ع) و نظریات او

زندگی و زمانه امام علی (ع)

توماس هابز و امام علی (ع) دو دیدگاه کاملاً متفاوت در مورد دولت و حکمرانی دارند که بر اساس بسترهای فرهنگی، تاریخی و دینی آنها شکل گرفته است. توماس هابز، در کتاب "لویاتان"، دولت را به عنوان یک نهاد مطلقه معرفی می‌کند که وظیفه اصلی آن حفظ نظم و امنیت در جامعه است. هابز معتقد است که دولت باید قدرت مطلقه‌ای داشته باشد تا بتواند از بروز جنگ و هرج و مرج جلوگیری کند (Hoye, 2023). به عقیده هابز، انسان‌ها در وضعیت طبیعی در جنگ دائمی با یکدیگر هستند و تنها با تشکیل یک دولت قدرتمند می‌توانند به امنیت و نظم دست یابند.

در مقابل، امام علی (ع) دیدگاه متفاوتی در مورد دولت و حکمرانی دارد. او معتقد است که دولت باید بر اساس عدالت و انصاف عمل کند و حاکمان باید در برابر مردم پاسخگو باشند. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: "مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا در دین با تو برادرند یا در آفرینش با تو برابرند" (Dahlström & Esaiasson, 2011). این دیدگاه نشان‌دهنده توجه امام علی (ع) به حقوق بشر و عدالت در حکمرانی است.

مفهوم عدالت و امنیت

مفهوم عدالت و امنیت در نظریات هابز و امام علی (ع) نیز تفاوت‌های عمده‌ای دارد. هابز امنیت را به عنوان اصلی‌ترین وظیفه دولت معرفی می‌کند و معتقد است که بدون وجود یک دولت قدرتمند و مطلقه، امنیت در جامعه برقرار نمی‌شود. او معتقد است که عدالت نیز باید در خدمت امنیت باشد و دولت باید برای حفظ امنیت و نظم، قوانین سخت‌گیرانه‌ای را اعمال کند (Scotognella, 2020).

در مقابل، امام علی (ع) عدالت را به عنوان اصلی‌ترین وظیفه دولت می‌داند و معتقد است که امنیت بدون عدالت معنایی ندارد. او در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: "عدالت، بنیان حکومت است و حکومت بدون عدالت فرو خواهد ریخت" (Bellick et al.,)

حقوق بشر و آزادی‌ها

حقوق بشر و آزادی‌ها در نظریات هابز و امام علی (ع) نیز تفاوت‌های چشم‌گیری دارد. هابز معتقد است که در وضعیت طبیعی، انسان‌ها آزادی‌های مطلقه دارند، اما این آزادی‌ها منجر به هرج و مرج و جنگ دائمی می‌شود. به همین دلیل، انسان‌ها باید بخشی از آزادی‌های خود را به دولت واگذار کنند تا دولت بتواند نظم و امنیت را برقرار کند (Pasanen, 2016). در این دیدگاه، حقوق بشر تا جایی معتبر است که با امنیت و نظم در تعارض نباشد.

اما امام علی (ع) بر اهمیت حقوق بشر و آزادی‌ها تأکید زیادی دارد. او معتقد است که حاکمان باید حقوق بشر را محترم بشمارند و آزادی‌های مردم را حفظ کنند. امام علی (ع) در یکی از نامه‌های خود می‌نویسد: "هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا و پرهیزگاری" (Candel & Fayazpour, 2019). این دیدگاه نشان‌دهنده احترام امام علی (ع) به حقوق بشر و آزادی‌های فردی است.

روش‌های تحقق حکومت

روش‌های تحقق حکومت در نظریات هابز و امام علی (ع) نیز با یکدیگر تفاوت دارد. هابز معتقد است که دولت باید از طریق اعمال قدرت مطلقه و قوانین سخت‌گیرانه، نظم و امنیت را برقرار کند. او معتقد است که انسان‌ها در وضعیت طبیعی توانایی اداره جامعه را ندارند و به همین دلیل باید به دولت مطلقه تن دهند (Hawley, 2011).

اما امام علی (ع) معتقد است که دولت باید از طریق رعایت عدالت و حقوق بشر، حکومت کند. او معتقد است که حاکمان باید به مردم خدمت کنند و در برابر آنها پاسخگو باشند. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: "با مردم مشورت کن و در امور

سیاست‌های مهاجرتی کنونی ایران بر مبنای قوانین ملی و بین‌المللی تنظیم شده است. ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان کنوانسیون حقوق پناهندگان سازمان ملل، متعهد به حمایت از حقوق پناهندگان و مهاجران است. همچنین، قوانین داخلی ایران نیز به موضوع مهاجرت پرداخته و شرایط ورود، اقامت و اشتغال مهاجران را تعیین کرده است (Giordani & Ruta, 2011).

تأثیر نظریات امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی

نظریات امام علی (ع) در زمینه عدالت و حقوق بشر تأثیر عمیقی بر سیاست‌های مهاجرتی ایران داشته است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به کرات بر اهمیت عدالت و حقوق برابر برای همه انسان‌ها تأکید کرده است. به عنوان مثال، در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: "عدالت را در میان مردم برقرار کن و با آنان به نیکی رفتار کن" (Dahlström & Esaiasson, 2011). این دیدگاه‌ها در سیاست‌های مهاجرتی ایران نیز منعکس شده و دولت ایران تلاش کرده تا با رعایت اصول عدالت و انصاف، شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کند.

مطالعه موردی: ترکیه

تاریخچه مهاجرت

ترکیه نیز به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه، دارای تاریخچه‌ای طولانی در زمینه مهاجرت است. موقعیت جغرافیایی ترکیه به عنوان پل بین آسیا و اروپا، آن را به مقصدی جذاب برای مهاجران تبدیل کرده است. ترکیه میزبان مهاجران و پناهندگان بسیاری از کشورهای همسایه مانند سوریه، عراق و افغانستان بوده و نقش مهمی در مدیریت بحران‌های مهاجرتی منطقه ایفا کرده است (Khan-Welsh et al., 2022).

سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی کنونی

سیاست‌های مهاجرتی ترکیه نیز بر مبنای قوانین ملی و بین‌المللی تنظیم شده است. ترکیه به عنوان یکی از امضاکنندگان کنوانسیون حقوق پناهندگان سازمان ملل، متعهد به حمایت از حقوق

مهم با آن‌ها به گفت‌وگو پردازد" (Dahlström & Esaiasson, 2011). این دیدگاه نشان‌دهنده اهمیت مشارکت مردم در حکمرانی و پاسخگویی حاکمان است.

سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی

اصول و مبانی سیاست‌های مهاجرتی در اسلام

اسلام به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان، دارای دیدگاه‌های خاصی در زمینه مهاجرت و تعامل با مهاجران است. مبانی سیاست‌های مهاجرتی در اسلام بر اصول اخلاقی و انسانی استوار است که در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) تبیین شده است. یکی از مهم‌ترین اصول در اسلام، اصل برابری و عدالت است که بر مبنای آن، همه انسان‌ها، بدون توجه به قومیت، نژاد یا مذهب، برابر هستند و باید با احترام و انصاف با آن‌ها رفتار شود (Candel & Fayazpour, 2019).

قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: "ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست" (حجرات، ۱۳). این آیه نشان‌دهنده اهمیت برابری و احترام به حقوق دیگران در اسلام است.

مطالعه موردی: ایران

تاریخچه مهاجرت

ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه، همواره با پدیده مهاجرت مواجه بوده است. در دوران‌های مختلف تاریخی، ایران به عنوان مقصد مهاجران از کشورهای همسایه مانند افغانستان، عراق و جمهوری‌های آسیای مرکزی مطرح بوده است. مهاجرت به ایران نه تنها به دلیل جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی، بلکه به دلیل روابط تاریخی و فرهنگی نیز بوده است (Filindra & Goodman, 2019).

سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی کنونی

شده تا امنیت ملی و حفظ نظم عمومی از اولویت‌های اصلی این سیاست‌ها باشد (Scotognella, 2020).

مطالعه موردی: ایالات متحده آمریکا

تاریخچه مهاجرت

ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از کشورهای مهاجرپذیر، تاریخچه‌ای طولانی در زمینه مهاجرت دارد. این کشور از ابتدای تأسیس خود به عنوان مکانی برای تحقق آرزوها و فرصت‌های اقتصادی شناخته می‌شده و به همین دلیل همواره جاذب مهاجران از سراسر جهان بوده است. مهاجرت به آمریکا به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انجام می‌شده و همچنان ادامه دارد (Fussell, 2014).

سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی کنونی

سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی کنونی ایالات متحده تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نیازهای اقتصادی، امنیت ملی و مسائل حقوق بشری تنظیم شده است. قوانین مهاجرتی آمریکا شامل مجموعه‌ای از قوانین فدرال و ایالتی است که شرایط ورود، اقامت و اشتغال مهاجران را تعیین می‌کند. به عنوان مثال، قانون "مهاجرت و تابعیت" (INA) که در سال ۱۹۵۲ تصویب شده، یکی از مبانی اصلی سیاست‌های مهاجرتی آمریکا است (Hillman & Long, 2021).

تأثیر نظریات توماس هابز بر سیاست‌های مهاجرتی

نظریات توماس هابز تأثیر عمیقی بر سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده داشته است. هابز معتقد بود که دولت باید قدرت مطلقه‌ای داشته باشد تا بتواند امنیت و نظم را در جامعه برقرار کند. این دیدگاه در سیاست‌های مهاجرتی آمریکا نیز منعکس شده و باعث شده تا امنیت ملی و حفظ نظم عمومی از اولویت‌های اصلی این سیاست‌ها باشد (Giordani & Ruta, 2011). به عنوان مثال، سیاست‌های سخت‌گیرانه در مورد ورود و اقامت مهاجران، به ویژه

پناهندگان و مهاجران است. قوانین داخلی ترکیه نیز شرایط ورود، اقامت و اشتغال مهاجران را تعیین کرده و تلاش کرده تا با ایجاد زیرساخت‌های مناسب، شرایط زندگی بهتری برای مهاجران فراهم کند (Filindra & Goodman, 2019). به عنوان مثال، قانون "حمایت بین‌المللی و اتباع خارجی" که در سال ۲۰۱۳ تصویب شد، به عنوان یکی از مبانی اصلی سیاست‌های مهاجرتی ترکیه شناخته می‌شود.

تأثیر نظریات اسلامی بر سیاست‌های مهاجرتی

نظریات اسلامی و اصول اخلاقی آن تأثیر عمیقی بر سیاست‌های مهاجرتی ترکیه داشته است. اسلام به عنوان دین غالب در ترکیه، تأکید زیادی بر عدالت، انصاف و حقوق بشر دارد. دیدگاه‌های امام علی (ع) و دیگر شخصیت‌های اسلامی در زمینه عدالت و حقوق بشر، مبنای مهمی برای سیاست‌های مهاجرتی ترکیه بوده است. به عنوان مثال، در اسلام تأکید زیادی بر کمک به نیازمندان و پناه دادن به پناهندگان وجود دارد و این اصول در سیاست‌های مهاجرتی ترکیه نیز منعکس شده است (Natter, 2018).

سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای غیر اسلامی

اصول و مبانی سیاست‌های مهاجرتی در غرب

سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای غربی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، فرهنگی و فلسفی شکل گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، نظریات فلسفی فیلسوفانی مانند توماس هابز است که تأثیر عمیقی بر مفهوم دولت، امنیت و حقوق بشر در غرب داشته‌اند. نظریه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی هابز، که در کتاب "لویاتان" مطرح شده، مبنای بسیاری از سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای غربی است (Hoye, 2023).

هابز معتقد بود که انسان‌ها در وضعیت طبیعی در جنگ دائمی با یکدیگر هستند و تنها راه نجات از این وضعیت، تشکیل یک دولت قدرتمند است که بتواند امنیت و نظم را در جامعه برقرار کند. این دیدگاه بر سیاست‌های مهاجرتی در غرب تأثیر گذاشته و باعث

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نشان‌دهنده تأثیر نظریات هابز بر سیاست‌های مهاجرتی آمریکا است.

مطالعه موردی: کشورهای اروپایی

تاریخچه مهاجرت

کشورهای اروپایی نیز به عنوان مقاصد مهم مهاجرت، تاریخچه‌ای طولانی در این زمینه دارند. مهاجرت به اروپا به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انجام شده و همچنان ادامه دارد. پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای اروپایی به مقصد مهاجران تبدیل شدند و این روند با تغییرات سیاسی و اقتصادی در دهه‌های اخیر ادامه یافته است (Dahlström & Esaiasson, 2011).

سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی کنونی

سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی کنونی کشورهای اروپایی نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نیازهای اقتصادی، امنیت ملی و مسائل حقوق بشری تنظیم شده است. قوانین مهاجرتی اروپا شامل مجموعه‌ای از قوانین ملی و اتحادیه اروپا است که شرایط ورود، اقامت و اشتغال مهاجران را تعیین می‌کند. به عنوان مثال، سیاست‌های مهاجرتی اتحادیه اروپا بر اساس اصول آزادی حرکت، حمایت از حقوق بشر و رعایت عدالت تنظیم شده است (Johannesson, 2018).

تأثیر نظریات توماس هابز بر سیاست‌های مهاجرتی

نظریات توماس هابز نیز تأثیر عمیقی بر سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اروپایی داشته است. هابز معتقد بود که دولت باید قدرت مطلقه‌ای داشته باشد تا بتواند امنیت و نظم را در جامعه برقرار کند. این دیدگاه در سیاست‌های مهاجرتی اروپا نیز منعکس شده و باعث شده تا امنیت ملی و حفظ نظم عمومی از اولویت‌های اصلی این سیاست‌ها باشد (Neureiter, 2021). به عنوان مثال، سیاست‌های سخت‌گیرانه در مورد ورود و اقامت مهاجران، به ویژه

پس از بحران مهاجرتی سال ۲۰۱۵، نشان‌دهنده تأثیر نظریات هابز بر سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اروپایی است.

تحلیل و بررسی

مقایسه تطبیقی سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و

غیر اسلامی

سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با توجه به مبانی نظری متفاوتی که دارند، تفاوت‌های چشم‌گیری از خود نشان می‌دهند. کشورهای اسلامی، با توجه به تعالیم اسلامی و نظریات امام علی (ع)، تأکید زیادی بر عدالت، حقوق بشر و انصاف در سیاست‌های مهاجرتی خود دارند. در مقابل، کشورهای غیر اسلامی، به ویژه در غرب، سیاست‌های مهاجرتی خود را بیشتر بر اساس نظریات فلسفی مانند نظریه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی توماس هابز تنظیم می‌کنند که بر امنیت و نظم اجتماعی تأکید دارد (Giordani & Ruta, 2011; Johannesson, 2018).

در کشورهای اسلامی مانند ایران و ترکیه، اصول اسلامی و آموزه‌های امام علی (ع) تأثیر عمیقی بر سیاست‌های مهاجرتی دارند. این کشورها تلاش می‌کنند تا با رعایت اصول عدالت و انصاف، حقوق مهاجران را محترم بشمارند و شرایط مناسبی برای آن‌ها فراهم کنند. به عنوان مثال، در ایران، قوانین مهاجرتی تلاش می‌کنند تا با رعایت اصول عدالت و انصاف، حقوق مهاجران را محترم بشمارند و شرایط مناسبی برای آن‌ها فراهم کنند (Filindra & Goodman, 2019).

در کشورهای غیر اسلامی مانند ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی، سیاست‌های مهاجرتی بیشتر بر اساس نیازهای امنیتی و حفظ نظم اجتماعی تنظیم شده است. این کشورها با اعمال قوانین سخت‌گیرانه و نظارت شدید بر ورود و اقامت مهاجران، تلاش می‌کنند تا از بروز هرج و مرج و تهدیدات امنیتی جلوگیری کنند. این دیدگاه‌ها به طور مستقیم تحت تأثیر نظریات توماس هابز قرار

جلوگیری کنند. با این حال، این سیاست‌ها به دلیل سخت‌گیری‌های بیش از حد و عدم توجه کافی به حقوق بشر و نیازهای انسانی مهاجران، با انتقادات زیادی مواجه شده‌اند (Fussell, 2014; Hillman & Long, 2021).

در مقابل، سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی، با تأکید بر عدالت و حقوق بشر، توانسته‌اند تا شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کنند و از نقض حقوق آن‌ها جلوگیری کنند. این سیاست‌ها با توجه به تعالیم اسلامی و نظریات امام علی (ع)، تلاش می‌کنند تا با رعایت اصول اخلاقی و انسانی، شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کنند و از تبعیض و ناعدالتی جلوگیری کنند (Candel & Fayazpour, 2019; Filindra & Goodman, 2019).

در نهایت، ارزیابی کارآمدی این نظریات نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند. سیاست‌های مهاجرتی مبتنی بر نظریات هابز می‌توانند به حفظ امنیت و نظم کمک کنند، اما نیازمند توجه بیشتری به حقوق بشر و نیازهای انسانی مهاجران هستند. در مقابل، سیاست‌های مهاجرتی مبتنی بر نظریات امام علی (ع) با تأکید بر عدالت و حقوق بشر، می‌توانند شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کنند، اما نیازمند تقویت بیشتر در زمینه مدیریت امنیت و نظم هستند. این مقایسه نشان می‌دهد که یک سیاست مهاجرتی موفق باید بتواند بین نیازهای امنیتی و حقوق بشر تعادل برقرار کند و از هر دو دیدگاه به طور همزمان بهره‌برد.

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی تأثیر نظریات توماس هابز و امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی پرداخت. در این راستا، ابتدا به مبانی نظری این دو فیلسوف پرداخته شد و سپس تأثیرات آن‌ها بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

دارد که امنیت و نظم را از اولویت‌های اصلی دولت می‌داند (Neureiter, 2021; Scotognella, 2020).

تأثیر نظریات توماس هابز و امام علی (ع) بر سیاست‌های مهاجرتی

نظریات توماس هابز و امام علی (ع) هر دو تأثیرات عمده‌ای بر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای مختلف داشته‌اند. توماس هابز با نظریه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی خود، مبنای فلسفی برای دولت‌های غربی فراهم کرد تا سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای در زمینه مهاجرت اعمال کنند. او معتقد بود که دولت باید قدرت مطلقه‌ای داشته باشد تا بتواند امنیت و نظم را در جامعه برقرار کند. این دیدگاه باعث شده تا سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای غربی به شدت تحت تأثیر نیازهای امنیتی و نظم اجتماعی باشد (Hawley, 2011; Pasanen, 2016).

در مقابل، امام علی (ع) با تأکید بر عدالت، حقوق بشر و اخلاقیات، مبنای نظری برای دولت‌های اسلامی فراهم کرده است تا سیاست‌های مهاجرتی خود را بر اساس اصول عدالت و انصاف تنظیم کنند. امام علی (ع) معتقد بود که دولت باید در تمام اعمال خود عدالت را رعایت کند و حقوق مردم را محترم بشمارد. این دیدگاه‌ها در سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اسلامی مانند ایران و ترکیه منعکس شده و باعث شده تا این کشورها تلاش کنند تا با رعایت اصول اسلامی، شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کنند (Bellick et al., 2022; Dahlström & Esaiasson, 2011).

ارزیابی کارآمدی این نظریات در سیاست‌های مهاجرتی

ارزیابی کارآمدی نظریات توماس هابز و امام علی (ع) در سیاست‌های مهاجرتی نیازمند بررسی دقیق تأثیرات این نظریات بر مهاجران و جوامع میزبان است. در کشورهای غربی، سیاست‌های مهاجرتی مبتنی بر نظریات هابز، با تأکید بر امنیت و نظم، توانسته‌اند تا حدودی از بروز هرج و مرج و تهدیدات امنیتی

آموزش و آگاهی‌بخشی: افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق مهاجران و اهمیت رعایت حقوق بشر می‌تواند به کاهش تبعیض‌ها و بهبود پذیرش مهاجران در جامعه کمک کند. این امر می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و کمپین‌های آگاهی‌بخشی انجام شود.

مسیرهای آینده تحقیق

بررسی تجربیات مهاجران: تحقیقات آینده می‌تواند به بررسی تجربیات مهاجران در کشورهای مختلف بپردازد تا تأثیرات سیاست‌های مهاجرتی بر زندگی آن‌ها به طور دقیق‌تری مشخص شود. این مطالعات می‌تواند به بهبود سیاست‌های مهاجرتی کمک کند.

مطالعه تطبیقی بیشتر: انجام مطالعات تطبیقی بیشتر بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌تواند به فهم بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های سیاست‌های مهاجرتی و تأثیرات آن‌ها بر جوامع میزبان کمک کند. تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مهاجرت: تحقیقات آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مهاجرت بر کشورهای میزبان و مهاجران بپردازد. این مطالعات می‌تواند به تدوین سیاست‌های مهاجرتی مؤثرتر کمک کند.

تحلیل سیاست‌های مهاجرتی در مواجهه با بحران‌ها: بررسی نحوه واکنش سیاست‌های مهاجرتی به بحران‌های جهانی مانند جنگ‌ها، بحران‌های اقتصادی و تغییرات آب و هوایی می‌تواند به درک بهتر از کارآمدی این سیاست‌ها و تدوین راهکارهای بهتر برای مواجهه با بحران‌ها کمک کند.

این نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرتی موفق باید بتوانند تعادلی بین امنیت و حقوق بشر برقرار کنند و از هر دو دیدگاه توماس هابز و امام علی (ع) به طور همزمان بهره‌برداری کنند. با توجه به پیشنهادات ارائه شده و مسیرهای آینده تحقیق، می‌توان به بهبود شرایط مهاجران و افزایش همبستگی اجتماعی در جوامع میزبان کمک کرد.

مشارکت نویسندگان

توماس هابز، با ارائه نظریه دولت مطلقه و قرارداد اجتماعی، تأکید زیادی بر امنیت و نظم اجتماعی داشت. این نظریه‌ها در کشورهای غربی مانند ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی به شکل سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی منعکس شده است. این کشورها برای حفظ امنیت و نظم، قوانین سخت‌گیرانه‌ای را اعمال کرده‌اند که برخی از آن‌ها به نقض حقوق بشر منجر شده است (Hawley, 2011; Pasanen, 2016).

در مقابل، امام علی (ع) با تأکید بر عدالت، حقوق بشر و اخلاقیات، مبنای نظری برای سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای اسلامی فراهم کرده است. این کشورها تلاش کرده‌اند تا با رعایت اصول اسلامی و عدالت، شرایط مناسبی برای مهاجران فراهم کنند. سیاست‌های مهاجرتی در ایران و ترکیه نمونه‌هایی از این رویکرد هستند که تلاش کرده‌اند تا با رعایت اصول عدالت و انصاف، حقوق مهاجران را محترم بشمارند (Bellick et al., 2022; Dahlström & Esaiasson, 2011).

پیشنهادات برای سیاست‌گذاران

تعادل بین امنیت و حقوق بشر: سیاست‌گذاران باید تلاش کنند تا بین نیازهای امنیتی و حفظ حقوق بشر تعادل برقرار کنند. این امر می‌تواند با بازنگری در قوانین مهاجرتی و کاهش سخت‌گیری‌های غیر ضروری، به ویژه در کشورهای غربی، محقق شود.

تأکید بر عدالت و انصاف: الهام گرفتن از نظریات امام علی (ع) و تأکید بر عدالت و انصاف در سیاست‌های مهاجرتی می‌تواند به بهبود شرایط مهاجران و کاهش تبعیض‌ها کمک کند. این امر می‌تواند با تدوین قوانین و سیاست‌هایی که حقوق همه افراد را بدون توجه به قومیت، نژاد یا مذهب محترم می‌شمارد، محقق شود. مشارکت جامعه مدنی: سیاست‌گذاران باید از مشارکت فعال جامعه مدنی در تدوین و اجرای سیاست‌های مهاجرتی بهره‌مند شوند. این امر می‌تواند به بهبود شرایط مهاجران و افزایش همبستگی اجتماعی کمک کند.

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This article investigates the influence of Thomas Hobbes' and Imam Ali's (AS) theories on immigration policies in Islamic and non-Islamic countries. Thomas Hobbes, a 17th-century English philosopher, is best known for his works on political philosophy, particularly his theories of absolute sovereignty and the social contract. In his seminal work "Leviathan," Hobbes argues that in the state of nature, human life would be "solitary, poor, nasty, brutish, and short" (Hoye, 2023). To escape this chaos, individuals collectively agree to cede some of their freedoms to a sovereign authority that can provide security and order. This theoretical framework has profoundly influenced Western political thought and, by extension, contemporary immigration policies in non-Islamic countries. These policies often prioritize national security and societal order, reflecting Hobbes' emphasis on the necessity of a powerful state apparatus to prevent anarchy and maintain stability (Scotognella, 2020).

In contrast, Imam Ali (AS), a key figure in Islamic thought and the first Imam of Shia Islam, presents a different vision of governance, emphasizing justice, human rights, and ethical leadership. Imam Ali's governance principles are derived from his teachings and practices, which are deeply rooted in Islamic jurisprudence and ethical considerations. He posited that a legitimate ruler must be just, compassionate, and accountable to the people. Imam Ali (AS) famously stated, "A society can endure without belief, but it cannot endure without justice" (Dahlström & Esaiasson, 2011). His emphasis on justice and human rights has influenced the development of immigration policies in Islamic countries, where these policies are often shaped by a commitment to upholding

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

the dignity and rights of all individuals, including migrants and refugees (Bellick et al., 2022).

This study provides a comparative analysis of immigration policies in Iran and Turkey, representing Islamic countries, and the United States and European nations, representing non-Islamic countries. Iran and Turkey have historically been significant destinations for migrants due to their strategic geographic locations and socio-political dynamics. Iran's immigration policies are influenced by Islamic principles and the teachings of Imam Ali (AS), emphasizing justice and humanitarianism. For instance, Iran has hosted millions of Afghan refugees over the decades, providing them with access to education and healthcare, despite facing economic and political challenges (Filindra & Goodman, 2019). Similarly, Turkey has adopted a relatively open-door policy towards Syrian refugees, reflecting its commitment to Islamic values of brotherhood and compassion, although this approach has also brought significant social and economic pressures (Khan-Welsh et al., 2022).

In the United States and European countries, immigration policies are predominantly shaped by the need to maintain national security and social order, concepts heavily influenced by Hobbesian thought. In the United States, the Immigration and Nationality Act (INA) and subsequent legislative measures have established a framework that prioritizes border security, controlled entry, and stringent vetting processes for immigrants. These measures, particularly post-9/11, underscore the emphasis on preventing potential threats and ensuring the safety of citizens (Fussell, 2014). Similarly, European countries have

implemented rigorous immigration controls, especially in response to the 2015 refugee crisis. Policies across Europe reflect a balance between humanitarian obligations and security concerns, often resulting in restrictive measures aimed at managing the flow of migrants and safeguarding national interests (Neureiter, 2021).

A critical analysis reveals that while Hobbesian-inspired immigration policies in the West have successfully maintained security and order, they have also faced significant criticism for human rights violations and the harsh treatment of migrants. These policies often result in prolonged detention of asylum seekers, family separations, and stringent border controls that sometimes lead to tragic outcomes. The emphasis on security can overshadow humanitarian considerations, leading to policies that are perceived as inhumane and unjust by human rights advocates (Giordani & Ruta, 2011). For example, the U.S. immigration enforcement practices have been criticized for their impact on families and the psychological toll on children separated from their parents (Hillman & Long, 2021).

Conversely, immigration policies in Islamic countries, influenced by the teachings of Imam Ali (AS), strive to balance security with justice and human rights. These policies often emphasize providing humanitarian assistance and ensuring the welfare of migrants. However, these countries also face significant challenges, including economic constraints and social integration issues. The influx of large numbers of migrants can strain public resources and infrastructure, leading to tensions between local populations and migrant communities. Despite these challenges, the commitment to Islamic principles of justice and compassion remains a guiding force in shaping more humane and

inclusive immigration policies (Candel & Fayazpour, 2019).

In conclusion, this comparative analysis highlights the divergent influences of Hobbes' and Imam Ali's (AS) theories on immigration policies in Islamic and non-Islamic countries. While Western countries prioritize security and order, reflecting Hobbesian thought, Islamic countries emphasize justice and humanitarianism, inspired by the teachings of Imam Ali (AS). Both approaches have their strengths and weaknesses. Policies grounded in Hobbesian philosophy effectively maintain security but often at the expense of human rights. In contrast, policies influenced by Islamic principles strive for a balance between security and justice but face practical challenges in implementation. A successful immigration policy, therefore, should integrate the strengths of both approaches, ensuring security while upholding the fundamental rights and dignity of migrants.

References

- Bellick, T. S., Barton, M. S., Friedman, S., & Douglas, M. (2022). Guyanese Immigration, Homeownership, and Crime in Schenectady, NY: 2000–2017. *City and Community*, 22(2), 105-125. <https://doi.org/10.1177/15356841221126670>
- Candel, S. L., & Fayazpour, S. (2019). Experiencing Anti-Immigrant Policies on Both Sides of the U.S./Mexico Borderland: A Comparative Study of Mexican and Iranian Families. *Education Sciences*, 9(2), 148. <https://doi.org/10.3390/educsci9020148>
- Chuks, M. V., Chinedu, B. P., & Beluchukwu, O. P. (2020). Social Contract Theory and Civil Disobedience in Nigeria: A Study of Boko Haram Insurgency. *World Journal of Innovative Research*, 8(2). <https://doi.org/10.31871/wjir.8.2.10>
- Dahlström, C., & Esaiasson, P. (2011). The Immigration Issue and Anti-Immigrant Party Success in Sweden 1970-2006. *Party Politics*, 19(2), 343-364. <https://doi.org/10.1177/1354068811407600>
- Filindra, A., & Goodman, S. W. (2019). Studying Public Policy Through Immigration Policy: Advances in Theory and Measurement.

- Policy Studies Journal*, 47(3), 498-516.
<https://doi.org/10.1111/psj.12358>
- Fussell, E. (2014). Warmth of the Welcome: Attitudes Toward Immigrants and Immigration Policy in the United States. *Annual Review of Sociology*, 40(1), 479-498. <https://doi.org/10.1146/annurev-soc-071913-043325>
- Giordani, P., & Ruta, M. (2011). The Immigration Policy Puzzle. *Review of International Economics*, 19(5), 922-935. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9396.2011.00995.x>
- Hawley, G. (2011). Political Threat and Immigration: Party Identification, Demographic Context, and Immigration Policy Preference. *Social Science Quarterly*, 92(2), 404-422. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6237.2011.00775.x>
- Hillman, A. L., & Long, N. V. (2021). Immigrants as Future Voters. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3907729>
- Hoye, J. M. (2023). Sovereignty as a Vocation in Hobbes's Leviathan. <https://doi.org/10.5117/9789463728096>
- Johannesson, L. (2018). Exploring the "Liberal Paradox" From the Inside: Evidence From the Swedish Migration Courts. *International Migration Review*, 52(4), 1162-1185. <https://doi.org/10.1177/0197918318767928>
- Khan-Welsh, H., Reese, L. A., & Reese, T. J. (2022). How Local Contexts Matter for Local Immigrant Policies. *Urban Affairs Review*, 59(4), 1160-1213. <https://doi.org/10.1177/10780874221091496>
- Maltby, E. The Political Origins of Racial and Ethnic Inequality. <https://doi.org/10.17077/etd.aero8www>
- Neureiter, M. (2021). The Effect of Immigrant Integration Policies on Public Immigration Attitudes: Evidence From a Survey Experiment in the United Kingdom. *International Migration Review*, 56(4), 1040-1068. <https://doi.org/10.1177/01979183211063499>
- Pasanen, T. (2016). Violent Encounters: The Hobbesian State of Nature in DayZ. 29-40. https://doi.org/10.1163/9781848883390_005
- Scotognella, F. (2020). Materialist Premises in Hobbes and Kropotkin for Antipodean Conclusions: The State of War and the Mutual Aid. *European Scientific Journal Esj*, 16(23). <https://doi.org/10.19044/esj.2020.v16n23p1>
- Turner, E. O., & Figueroa, A. M. (2019). Immigration Policy and Education in Lived Reality: A Framework for Researchers and Educators. *Educational Researcher*, 48(8), 549-557. <https://doi.org/10.3102/0013189x19872496>